

توفان

ازگان سازمان مارکسیستی لنینستی توفان

هفته نامه

۱۴۳

بهاء ۱۰ ریال

انقلاب ایران در نیمه راه

انقلاب ایران که با دست خلق قهرمان و شجاع ما جا به عمل پوشید، دوهفد اساساً سیرا دنیا لمیکرد. نخست محوا استبداد سلطنتی محمد رضا پهلوی و همراه با آن محوسلطنست و برقراری آذ دیوسپس برکندن نفوذا استعمار از میهن ما، استعمار ریکه سرچشمه فلاکت و محرومیت خلق ما و ورشکستگی کشور ما در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود. آذ دیوا استقلال، چنین است دوهفد اساساً انقلاب ایران .

پیروزی انقلاب و وظیفه خطیر انقراض سلطنت را انجام داد. شاه خائن و جنا پتکسار و فاسد با ردیگر از ایران نگریخت و اینبار رصحنه مقدس میهن ما برای همیشه از وجود شوم و کثیف این عنصر ناپاک و خاندان ناپاکتر از خودش پاک شده است. در ایران امروز دیگر جانی برای شاه نیست. همه پرسروزیها و یاده و یازده فروردین به برافکندن سلطنت صورت قانونی بخشیده است. هیچکس دیگر نمیتواند سلطنت را در ایران زنده کند. سلطنت ایران مانند سلطنت های دیگر، این باقیمانده دورا نکهان، به تاریخ سپرده شده است .

البته این بدان معنی نیست که امپریالیسم و عناصر هر دو در ایران دست از توطئه بمنظور بازگرداندن موقعیت از دست رفته خود برداشته اند. بازگشت امپریالیسم به ایران نیز با وجود سلطنت ملازمه ندارد. مگر ممکن نیست امپریالیسم تحت رژیم جمهوری موقعیت گذشته خود را با زیا بد؟ مگر در کشورهای آمریکا و لاتین که همه تحت لوای جمهوری پسر میبرند، نفوذا امپریالیسم برافتا ده است ؟

پیروزی انقلاب، استقلال سیاسی ایران را نیز بهمراه داشت. اکنون دولت ایران در عرصه بین المللی، در مناسبات خود با دولتها و در موسسات بین المللی مستقلا عمل میکند. موضع گیری دولت در قبایل اسرائیل و قرار داد صلح سادات - بگین، روش دولت موقت در کنفرانس اخیر اوپک شوا ه د زنده است .

استقلال سیاسی اگر سرانجام استقلال اقتصادی را نیز به دنبال خود نیاورد، مستلزم برکندن نفوذا اقتصادی امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است. متاسفانه با دیدگفت در این زمینه اقدامات مهمی صورت نگرفته و پایه های اقتصادی امپریالیسم دست نخورده باقی مانده است. انقلاب پیروز میبایستی فوراً تمام موسسات و سرمایه های امپریالیستی را چه در صنایع و کشاورزی، چه در بانکها و چه در تجارت ملی میکرد. اما دولت موقت تاکنون گامی در این جهت برنداشته است. برعکس از سرمایه های خارجی خواسته است که فعالیت اقتصادی خود را از سرگیرند .

ارتش با یگان نظامی امپریالیسم آمریکا بود. انقلاب با یگان ارتش را درهم کوبید و بجای آن ارتش توده ای بر اساس اصولی غیر از اصول ارتش شاهنشاهی بنشاند. اما همین ارتش که اینهمه مردم بیگنا را در تظاهرات به گلوله بست و شهید کرده است بیکبار ارتش ملی اسلامی را از بد آرمه که مردم گویا با یگان ارتش بمشابه ارتشی که از ملت است، گرامی بداند و از زحله و یا حتی انتقاد به آن بپرهیزند چون دولت آنرا نمیتواند تحمل کند. در این زمینه حتی صحبت از بازگرداندن میران باز نشسته و کارشناسان نظامی آمریکا علاوه بر کارشناسان فعلیست، به علاوه قرار داد فعلی ایران و آمریکا معلوم نیست بر چه اساسی تحت مطالعه است و چرا ملغی نمیشود تا به امپریالیسم آمریکا بهانه برای مداخله نظامی در ایران ندهد .

ساواک این پایگاه دیگر امپریالیسم آمریکا بنا برگرفته مسئولین امر هنوز با بر- جاست و فعالیتش زیرزمینی میباشد، گرچه برخی از سران آن به کیفی رجنایات خود رسیده اند. عده ای از افراد ساواک با عوض کردن رنگ در کمیته های انقلاب جای گرفته اند. گروهی دست به تظاهرات خیابانی میزنند و در برابر کاخ نخست وزیری خواسته های خود را مطرح میکنند !!

بدین ترتیب روشن است که ما هنوز از نیل به هدف ضد امپریالیستی انقلاب خیلی دوریم و این پایگاه ها چنانچه در هم شکسته نشود خطر بزرگی برای آینده انقلاب ایران و استقلال و آزادی آنست. به سخن کوتاه اگر انقراض سلطنت را کننا ریگذا ریم، انقلاب ایران در نیمه راه متوقف مانده است. استقلال و آزادی ایران در معرض تهدید جدی است. مسئولین امور خود این خطر را پیوسته گوش زد میکنند ولی برای دفع آن اقدامی جدی بعمل نمیاید .

در مورد آزادی، این هدف دیگر انقلاب بجرئت میتوان گفت که خلق ایران به آن دست نیافته است. فشا رواختناق، سانسور مطبوعات، توقیف و تهدید و شکنجه افراد از اعمال رایج تا سیاست نوظهوری است که نام "کمیته های انقلاب" برخوردنها ده و جای دادگستری و نیروهای نظامی امرا گرفته است. آنگونه که از او حواله بر میاید آزادیهای دموکراتیک که هم اکنون عمیقاً مورد دستبرد قرار گرفته در جهت محدودی ها و بیشتری پیش خواهد رفت و این امر نمیتواند نگرانی نیروهای مترقی و انقلابی را بر نیانگیزد .

برای جلوگیری از خطری که آزادی و استقلال ما را تهدید میکند، برای مقابله موثر و شمر بخش با این خطر تنها یک راه وجود دارد: اتحاد همه نیروهای شیفته آزادی و استقلال. برآکنندگی بین نیروها نه تنها به امپریالیسم و ارتجاع امکان دستبرد به دستاوردهای نا چیز کنونی میدهد بلکه حیات این نیروها را در معرض خطر می افکند. در برابر برپورش امپریالیسم و ارتجاع با اتحاد خود دیوار آهنین برپا کنیم

جشن اول ماه مه و با هماهنگی و یکپارچگی

تحت پرنامه و شعارهای مشترک برگزار کنیم

کارگران ما، بعلمت تعطیل کارخانه ها در معرزه مخاطره است. کارگران ماه هاست از دریافت حقوق محروم مانده اند و با توجه به گران روی روز افزون هزینه زندگی، زندگی آنها در حکم جان کنندن تدریجی است. با آنکه رژیم فشا رو فشان گذشته فرو ریخته، کارگران هنوز از آزادی سندیگایی برخوردار نیستند. آنها پیروزی انقلاب را تبریک گفتند و امیدوار شدند که انقلاب وضع آنها را بهبود میبخشد، به زندگی سخت و دشوار آنها سر و صورتی میدهد، آنها را از یک زندگی ناسانی برخوردار میسازد، به تقاضای حق آنها ترتیبی شرمیدهد. اما مصداقاً در مورچیزی جز وعده های یوچ و واهی تحویسل آنها نمیدهند. مقامات دولتی و مراجع مذهبی پیوسته در این فکر اند که مبارزات کارگران را با وعده های فریبنده و حتی با ارباب و برچسب زدن آرام آرام کنند. آنها گویا هیولای گرسنگی و مرگ را که بر بالای سر قریب ده میلیون از مردم محروم و زحمتکش ما پروبال گشوده میبینند و مدام کارگران را به صبر و حوصله دعوت میکنند. اما کارگران گرسنه، بیکار، بی مسکن چگونه میتوانند صبر کنند و اساساً تاکی با صبر کنند. گرسنگی صبر و تحمل نمیدین

روز اول ماه مه (یا زدهم اردیبهشت) روز همبستگی کارگران جهان، فرا میرسد. کارگران ایران این روز را در شرایطی برگزار میکنند که نظام شاهنشاهی ایران بر اثر مبارزه طولانی و قهرمانانه خلق ما، بویژه طبقه کارگر در هم شکسته است. اما سال طبقه کارگر با تظاهرات وسیع و پرشکوه خود این روز را ریخ را جشن میگیرد و همبستگی و یکپارچگی کارگران را در مبارزه به خاطر خواستها و مطالبات فوری و میرم خود به مصه ظهور میگذارد .

طبقه کارگران ایران برای درهم کوبیدن و دودن رژیم سیاه و ضد کارگری شاه، در پیشاپیش خلق قرار داشت. کارگران صنعت نفت در پیروزی انقلاب نقش تعیین کننده ای داشتند ولی طبقه کارگر زحمتکش انقلاب نصیبی نبرد. آنها نیکه بدنیا ل پیروزی انقلاب قدرتی سیاسی را بدست آوردند، این طبقه پیشرو و جا معه ما را نادیده گرفتند، به خواستها و مطالبات حق کارگران توجه نکردند. هم اکنون تمام عواقب شوم و مسمیت بار ورشکستگی و از هم گسیختگی اقتصاد دی متوجه کارگران و دیگر زحمتکشان است. زندگی کارگران بعلمت بیکاری دامنه دار، بعلمت آراج خود سرانه کارگران توسط

مبارزه کارگران و سیاست مرکزی

گول عوام فریبان رسوا را نخوردند و با شرکت متحد خود در انقلاب نقش تعیین کننده ای ایفا کردند. آنها نیروی مادی انقلاب بودند و ضربه کارگران آنها بر فرق نظام شاهنشاهی فرود آوردند .

روزی نمیگذرد که کارگران در گوشه و کنار ایران جهت بهبود وضع نا بسامان و اسفبار خود اقدام به عض، اعتصاب و اجتماعات گوناگون میکنند. دیروز تهران، امروز در مسجد سلیمان، فردا در ...

علت اصلی شرکت وسیع طبقه کارگر در مبارزات رها قیامش دوساله اخیر همانا وضع نا بسامان اقتصاد و اجتماعات آن بود و نه چیز دیگر بدون شک جوانه های اعتراضی کنونی نیز از وضع عینی آنها ناشی میگردد که اگر بهبود نیابد، روبرو اعتلاء خواهد رفت و اشکال حادثی بخود خواهد گرفت .

مشکل کارگران میهن ما مشکلی دیرینه است. در رژیم سابق نیز طبقه کارگران محرومترین ستمکش ترین و در عین حال از زمین رزترین طبقه جامعه محسوب میشد. رژیم شاه در عین استثمنا روحشیا نه آنها میکوشید که با عوام فریبی های مخصوص بخود آنها را فریب داده و صفوف آنها را از هم بپراکند. ولی تاریخ نشان داد که کارگران میهن ما

درباره اعدام های اخیر

بخش وسیعی از طرفداران حقوق بشر و سایر کشورهای غربی از انجام اعدام های اخیر در ایران برآشفته شده و تبلیغات وسیعی را بر علیه انقلاب ایران و دولت موقت بر اه انداخته اند. برای این افراد انقلاب یک مجلس میماند است که در آن همه میبایست با لبها سپاه تیمیز و مرتب ظاهرشوند و دستکش ها سفید بردست داشته باشند. برای این افراد، انقلابی ضد انقلابی، قاتل و مقتول، گناهکار و بیگناه، حق و باطل، شرایط انقلابی و شرایط عادی، وضع اضطراری و وضع غیر اضطراری مطلقاً معنی ندارد. در قاموس این عده محمدرضا شاه سابق بشر است، خسرو گلسرخی هم بشر است، نصیری و هیئت رولون نول و وان تیو همگی بشرند، آلاپوش ها و رضا فی ها و احمد زاده ها هم بشرند و نه فقط بشرند بلکه حقوق همگی آنها نیز با هم برابر است. این است درک روبنایی و بورژوازی از حقوق بشر. اما در جامعه طبقاتی که بشر به طبقات تقسیم شده، چگونه میتواند حقوق ظالم با مظلوم یکی باشد؟ چگونه میتوان انتظار داشت که حقوق زالم و مظلومان استثمنا رکننده و حقوق محرومان استثمنا رشونده یکی باشد؟ چگونه میتواند این حقوقی که در سردابهای زندان، در شکنجه گاه ها، در پای جوخه اعدام و در کتک گاه ها و کارخانجات و تمام سطح کشور یکسان نیست در مقابل محاکم انقلاب یکی باشد و هر دو بیک میزان محترم شمرده شود؟

مجرمین سرسپرده و عناصر ضد انقلابی را که خیانتهایشان با ظهرومن الشمس است باید بیدرتک وبدون ذره ای ترحم تیرباران کرد و از این نقطه نظر اعدام های اخیر نه تنها به موقع بلکه درست و بجای بوده است. نباید فراموش کرد که وضع کشور یک وضع انقلابی است و سرعت عمل انقلابی در نا بود ساختن عناصر ضد انقلابی و خائن بعلمت نمیتواند خویشتن را در تالارهای کش و قوس دار کار خدا دگستری و قوانین عادی مملکتی محصور سازد. این مسیر است که تمام انقلابات جهان و از جمله انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب آمریکا پیموده اند و اگر تمام انقلابات ملاک مقایسه گرفته شوند، هنوز در ایران خونهای سیاه ری از عناصر مزدور و خائن بعلمت میبایستی ریخته شود تا ضد انقلاب مجال سازماندهی و تجدید قوا را از دست بدهد و امنیت ملک و ملت در هر گوشه ایران تضمین گردد .

بقیه در صفحه ۲

برافراشته باد پرچم ظفر نمون حزب طبقه کارگر ایران

چشم اول ماه مه ۰۰۰۰۰۰

از اینرو است که کارگران سرکشور برای تغییر زندگی سخت و دشوار خود دست به تظاهرات و راهپیمایی زده اند مقامات دولتی و مذهبی تظاهرات کارگران را نتیجه تحریکات "ضد انقلاب" میدانند و چپ و راست به کارگران توصیه میکنند که "ضد انقلاب" را از صفوف خود برانند. این تظاهرات را سالهاست که همه با رها و با رها شنیده اند. آنچه کارگران را به تظاهرات وایجاد تحریکات شیطانی نیست بیکاری و گرسنگی است. نداشتن مسکن است، محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی است. معادرا مورایی واقعیت را می بینند و می فهمند ولی حقیقت را در گون مینمایند. دولت بجای آنکه بخواسته های کارگران ترتیب اثر دهد، کارگران را مجبور به بازگردن کارخانه یا کارگاه ها، مجبوری سرمایه گذاری کند، تمام فشار خود را متوجه کارگران میسازد و بیهوش آنها میزند.

نبودن آزادی سندیکی طی سالهای دراز کارگران را از داشتن سندیکی های واقعی کارگری که دفاع از حقوق مطالبات آنها را سازمان دهند، محروم ساخته است. به اثر فقدان اتحادیه های کارگری مبارزات کنونی کارگران هنوز هم خود را روبرو کرده اند. آن سازمان واحد سندیکی که تمام کارگران را دربرگیرد و آنها را به نیروی غلبه ناپذیر تبدیل کند، مبارزات کارگران را در شرایط بحرانی هم آهنگ سازد و با موفقیت ترین گرداند، وجود ندارد. بعلاوه در صفوف کارگران میهنما اکنون نیروها و سازمانهای بسیاری فعالیت دارند، فعالیت هایی که بعلمت ناهم آهنگی بیشتر به تشننت فکری و سازمانی کارگران می انجامد تا بوحدهت فکری و سازمانی آنها.

اکنون که جشن فرخنده کارگران در پیش است، ما برای نیمه سالها و نیروهای هوادار طبقه کارگران این جشن را متحد و یکپارچه برگزار کنیم و یکجانبه تظاهرات کارکنان به تظاهرات وحدت و پیروزی بیشتری ببخشیم. اما وحدت و یکپارچگی مستلزم آنست که همه سازمانها از برنامه مشترک واحد پیروی کنند، تحت شعارهای مشخصی که مورد قبول همه واقع شود، در تظاهرات شرکت جویند، شرکت سازمانهای مختلف در جشن اول ماه مه، هسریک با برنامه خاص و شعارها و پلاکاتی خود منظره نا مطلوب ناهم آهنگی و پراکنندگی را در معرض دید همگان میگذارد، طبقه کارگران دستخوش سرگردانی و کمگشتگی میکنند و زمینه را برای توطئه و تحریک دشمنان و پیورش به کارگران آماده میسازد.

شماره های جشن اول ماه مه میتواند دور حول شعارها و مسائل زیربنایی بچرخد. بدیهی است بر آنست که همه شعارهای دیگر که مورد موفقیت همه واقع شود افزود.

طبقه کارگران روز اول ماه مه را بمثابة روز همبستگی کارگران و روز پیروزی پررزم منفور سلطنتی جشن بگیرد.

چرخهای اقتصاد کشور جز با دست توانای کارگری برداشتن در نمیآید دولت باید به خواسته های طبقه کارگر هر چه زودتر ترتیب اثر دهد.

دولت باید از اجرائی کارگران جلوگیری کند، کارگران اجرائی را به سرکابگردن حقوق معوقه و امتیازات کارگران راهر چه زودتر بپردازد.

تبه مسکن برای کارگران

دستمزد مساوی برای کارمندان و مساوی دستمزد زنان کارگر با مردان کارگر دولت باید در رفع بیکاری هر چه زودتر اقدام کند.

برقرار ریاد آزادیهای دموکراتیک، آزادی فعالیت صنفی و سیاسی طبقه کارگر

قانون کار را باید مهین حقوق کارگران بنا شود و نمایندگان طبقه کارگر بر تنظیم آن نظارت کنند

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اتحادیه ها را سازمانها برای برگزاری جشن اول ماه مه به سود طبقه کارگر است و نیز میتواند در منشاء اتحادیه ها همکار تمام سازمانها و نیروها را دربرگیرد و آنها را بخاطر آزادی و استقلال میریزند. چنین اتحادی امروز ضرورت حیاتی دارد.

مبارزه کارگران ۰۰۰۰۰۰

نابسامان زحمتکشان جامعه با شیم اینها هستند که آینه کشور را در دست خود دارند. اینها هستند که چرخ اقتصاد را چاره را با پنجه های پیولادین خود بگردش در می آورند، با پدید درجها و لوهی که سر به سر بدهد آنگاه رسید.

لغو قوانین ضد کارگری، بوجود آمدن امکان برای ایجاد سندیکی های واقعی کارگری، پرداخت فوری حقوقهای عقبه افتاده، پرداخت فوری وام بیکاریه بیکاران، گسترش نیروی تولیدی بمنظور جذب بیکاران ((از طریق بکار انداختن سرمایه های مصدوم شده موجود در آمده های کلان دولت از مرفعت))، مصدومها و سرمایه داران بزرگ و وابسته بمنظور بکار انداختن آنها در عرصه تولید و بالاخره گسترش بیمه ها یا اجتماعیه کارگران و بهبود وضع محیط کار (چه بهداشتی و چه غذائی) از جمله اقدامات اولیه اند که باید هر چه سریعتر دولت به آنها جامعه عمل بوشاند چنین اقداماتی احتیاج به صورتا مل ندارد. دولت مطمئن باشد که اگر چنین اقداماتی تاکنون انجام میشد هیچگاه دامنه اعتراضات و شکایات به این وسعت نمیبود.

کارگران شریف میهن ما به ندای رهبران مذهبی و سران دولت بدون درنگ پاسخ مثبت دادند، اما دنگی خود را برای کار بیشتر اعلام کردند و سرکار خود حضور یافتند ولی هستند که فرمایان فرومایه ای که برای جلوگیری از ضرر احتمالی و یا مقاصد سوء ضد انقلابی دیگر، بی کاری مصنوعی ایجاد کرده و به بحران اقتصادی دامن میزنند. آیا این اقدامات باعث تضعیف دولت میگردد یا خواست محفانه کارگران و پیویندگان برآه آنها؟

ما به دولت هشدار میدهم که عدم انجام خواسته های بر سر مرده فوقا با عدم توجه جدی فوری به خواسته های کارگران عواقب وخیمی برای انقلاب ایران ببار خواهد آورد.

دولت باید با انجام بدون وقفه بندهای بر سر مرده فوق شرایط را سریعاً به نفع زحمتکشان تغییر دهد، در غیر این صورت باید انتظار بر خوردهای شدیدتری داشته باشد که بدون شک مسئولیت آن در درجه اول بگردن خود اوست.

برخوردهای شدید تر را برای توطئه های امپریالیسم بازمیکند.

بطوریکه میدانیم با نهما مرکز حیات اقتصادی معا صوم مهمترین مراکز عصبی تمام سیستم سرمایه داری اقتصادی را تشکیل میدهند. سخن گفتن از "تنظیم مورا اقتصادی" و در عین حال نا دیده نگاشتن موضوع ملی کردن بانکها معنایش یا آشکارا سخن جهل مطلق است و یا فریب "عوام الناس" بوسیله عبارت پر آب و تاب و وعده های پر طمطراق با تصمیم قبلی بعدم اجرای آن.

لنین - خطر فلاکت و راه مبارزه با آن

درباره اعدام ۰۰۰۰۰۰

طبیعی است که با عادی شدن وضع کشور و نهادن کارمندان و عواملین سرسپرده رژیم سابق، محاکم انقلابی نیز جای خود را به محاکم عادی خواهند داد و کلیه محاکمات بر طبق قوانین و مقررات عادی کشور صورت خواهد گرفت و باید بگیرد. تنها در آن زمان است که اقدامات، کامیگام و بر طبق ضوابط تعیین شده به مرحله عمل درخواهند آمد.

منقذین حقوق بشر در غرب که چشمان خود را بر فحایع بیشتر ردول متبوع خود در سران جهان و از جمله در خود غرب و بر علیه طبقه کارگر این کشورها بسته اند و عملیات آنان از حد دست یا زین به یک سری اقدامات فرمالیستی و یا اداری تجاوز نمیکنند، یکباره بر سر حفظ حقوق بشر در ایران که گویا اعدای اخیرنا قضآن بوده است، بتکا بیواقتاده اند. اغلب این منقذین همانهایی هستند که در رژیم سابق برای گسیل هر یک از آنان هزاران دانشجوی ایرانی مهین پرست مقیم خارج میبایستی به تلاش شبانه روزی بر میخواستند تا بر تر دید و دولتی آنان فائق آیند و با ضمانت انعکاس اقدامات آنان در سطح جهان، آنها را روانه ایران سازند. بدون شک آن وکلای صادق و با ایمانی که از اقدامات رژیم شاه اطلاع کافی داشته و از نزدیک این رژیم خونخوار را شناخته باشند، جز این گروه از منقذین نیستند و نمیتوانند باشند.

آن بخش از مصارد کشور که بدلیل حمله و هجوم "مدافعین" حقوق بشر خلع سلاح شده و زنبودن ناظرین بین المللی در دادگاههای انقلابی ایران ابرودرهم میگردند و در پست نما یندگی ملت موضع شخصی خود را با خبرنگاران خارجی و داخلی در میان میگذارند، ناظرین بین المللی در ذهن خود له لیه های ساخته اند که در امور مملکتی ما از فرزندم گرفته تا اعدای انقلابی میبایست ناظر بر اعمال ملت ما باشند. اینان که بدلیل حفظ روابط مسلکی با غرب، از زنی زندهای رهبران دول غربی و سایر منقذین مرعوب شده اند، قادر نیستند از موضع محفانه دولت و ملت ایران در محافل و مجامع بین المللی دفاع نمایند و بهتر است سکوت اختیار رکنند و انقلاب ایران را در دامنهای میلانسه منقذین غربی گرفتار نمانند.

یکانه ضعف چشمگیر در کار محاکم انقلابی اینست که در خصوص جنایات بیشمار هر یک از اعدام شدگان و محکومین زندانی مرتکب شده اند، تبلیغات افشاکرانه لازم که صورت نمیکند و در ذهن جهان بیابا نه مهمترین اقدامات خائنه آنان روشن نمیکردند. میتوان و باید به تبلیغات انقلابی در خصوص اعدای انقلابی اشتیاق و سرعتی در خورشایط و وضع موجود داد. باید افکار رجهانیان را بجنایات و خیانت های عمال سابق رژیم آشکار کرد، اسناد دست آمده از ساواک و سایر مراکز و دوا پردولت را با پدید هر چه سریعتر و بدون فوت وقت در یک مرکز واحد گرد آورد، آنها را سریعاً چاپ و منتشر کرد.

کارگران دست پادار گشته شد

کارگران سرگردانند
کارگران دست پادار گشته شد
کارگران سرگردانند
کارگران دست پادار گشته شد
کارگران سرگردانند
کارگران دست پادار گشته شد
کارگران سرگردانند
کارگران دست پادار گشته شد
کارگران سرگردانند
کارگران دست پادار گشته شد

طبقه کارگران ایران اول ماه مه را بمثابة روز همبستگی کارگران

گزارشی از مبارزه کارگران راه و ساختمان و تأسیسات (فصلی)

چندین هزار کارگر راه و ساختمان و تأسیسات در اوایل فروردین با خطر وضع نا بسامان زندگیشان که هیولای گرسنگی بر آن سایه افکنده و عدم اطمینان به آینده زبان به اعتراض گشودند و خواستار رسیدگی دولت موقت و وزارت کار به وضع آنان و تحقق خواسته‌هایشان گشتند.

کمیته فرخی وابسته به سازمان توفان گزارشی از تلاش این کارگران در این زمینه تهیه کرده که در زیر چکیده‌ای از آن درج میگردد.

پس آنکه "هر روز کارگران بیچاره در راه‌های وزارت کار به اینطرف و آنطرف رفتند و اطاق‌ها را با راه‌بندیگر حواله دادند" روشن گشت که "تنها چیزی که مطرح نیست مسئله کارگران و کمیته‌های سابق سیستم کاغذی است" در جواب اعتراض به این رفتار، ماموران وزارت کار استدلال میکنند که "دولت موقت است. صندوق دولت خالیست" و این درست همان زمانی است که دولت اعلام کرده است که مبلغی حدود پنج میلیارد ریال اعتبار برای صاحبان صنایع در نظر گرفته است. "کارگران ساختن نی طی رفت و آمدهای هر روز خود به وزارت کار به دو نکتته پی بردند اول آنکه این دولت آنچنان که مینماید حامی کارگران نیست و بیشتر به سرمایه‌داران میبپردازد. دوم آنکه میبایست این ضعف آنرا در امتداد مشکل نموده و با قدرتی کوبنده حق خود را باز پس گرفت". بدین منظور کارگران در جلوی وزارت کار تجمع نمودند و خواستار واگذاری خانه‌های کارگران به عنوان محلی برای سفرانی گشتند که وزارت کار پس از فشاری کارگران حاضر به واگذاری این مکان گردید. "روز دوشنبه بیست و یکم اسفند کارگران از اقصی نقاط تهران در خانه‌های کارگران گرد آمدند. سه نفر نماینده هم از وزارت کار شرکت داشتند. ابتدا کارگران به طرح و ام بیگساری وزارت کار "اعتراض کرده و" ماهیت ضد کارگری آن روشن ساختند. صدای اعتراض بعدی بلند بود که حتی نمایندگان وزارت کار مسئولیت طرح را بعهده نگرفتند. کارگران با توجه به بی مسئولیتی نمایندگان وزارت کار در همان شب ۲۵ نماینده انتخاب کردند که چهار نفر از آنان مسئول تماس با وزارت کار شدند و قرار بر آن شد که روز شنبه ۲۶ اسفند نتیجه مذاکرات را به دیگر کارگران اطلاع دهند. در ضمن "اعتراضیه‌ای شامل ۱۳ اصل که کلاد در طرح و ام بیگساری وزارت کار بود، تهیه گردید". در مذاکره هفت ساعت نمایندگان موقت کارگران فصلی با وزارت کار نتیجه‌ای جز شدیدترین اهانت‌ها به کارگران پدید نیامد. "حضرات وزارت کار اعتراض کارگران را به مسئله بیگساری واردند و گفته می‌شدند که بیگساری بیشتر کارگران بخاطر تنبلی آنهاست. نمایندگان وزارت کار که معلوم نیست منتخب چه کسانی هستند و روشن است که نماینده سرمایه‌داران هستند تا نماینده کارگران کوچکترین آشنائی نسبت به زندگی کارگران ندارند و فرودگرسنگی آنان را نتیجه تنبلی ذاتی آنها میدانند!

بهر تقدیر پس از مذاکرات بین نتیجه، روزیکشنبه ۲۷ اسفند کارگران جلوی وزارت کار اجتماع کرده و سپس بخاطر نپذیرفتن خواسته‌هایشان دست به تحصن زدند و پس از آنکه تا ساعت هشت شب در سالن آمفی تئاتر وزارت کار رهبر نمودند، دست به اعتصاب غذا زدند. اگرچه راه‌اندازی تلوویزیون انقلاب اسلامی سکوت کرده و دم‌بر نمی‌آورد و وجود اینک عده‌ای عناصر مشغول و فرستاده‌های کارفرمایان دست به تبلیغات منفی بر علیه کارگران متحصن می‌زدند، آنچه بیش از همه جالب توجه بود، نیروی همبستگی و اتحاد قدرت مشتهای بهم پیوسته و پیولادین کارگران بود؛ کارگران در چهار روز اعتصاب غذای خود در پیافتند که سرمایه‌داران زالوصفت از تمام وسائل حتی زدن کارگران برای مقاصد سودجویانه خود استفاده میکنند و کسانی را میفرستند که از این نقطه ضعف آنان استفاده کرده و در لباس دین و منجیب به استعمار کارگران ادامه دهند.

یکی از کارگران که در طی اعتصاب غذا بعلت ضعف جسمانی به حالت اغما افتاده بود پس از بهوش آمدن گفت که به بیچارگان نخواستیم هدر رفت و اگر خواسته‌های کارگران را ندهند خون خود را در راه میلیون‌ها کارگر گرسنه فدا خواهد کرد. پس از سه روز مذاکرات و فشاری کارگران بر روی مواضع خود از آنجا که "سران قوم هوسوار پس دیدند"، "همان‌کسانیکه کارگران غیور و مبارزان را اخلاک‌گر و زاهد انقلابی و حتی با واکی خوانند، همان کسانیکه عده‌ای را ما موز ضرب و شتم کارگران در بیرون وزارت کار کرده بودند، اینبار با چهره‌ای مظلومانه مجبور به عقب نشینی شدند". آقای وزیر کار قول داد که روز ششم فروردین مسئله راه‌هیئت دولت بتصویب خواهد رسید و آنکه بعدها روشن شد که این نیز در می‌دیگر از طرف وزارت کار بود و بعد هم با قبول در آوردن یک طرح قبلی را دولت تصویب کرده و دیگر نمی‌توان آنرا عرض کرد.

بدین ترتیب کارگران با زهم‌ها نشیوه‌های سابق شاهانه، چماق و نان قندی طرف میباشند، گرچه وعده‌های "شیرین" آقای فروهر وزیر کار دولت موقت، به مذاق زحمتکشانی که خود این دولت را بر سر کار آورده‌اند، بسی تلخ‌تر از نان قندی‌های عمال شاه میباشند.

بعلت عدم تحقق خواسته‌های کارگران، دوباره آنان دست به تظاهرات زدند. طبق آخرین اخبار بدست آمده، اجتماع کارگران با شرکت بیش از دوهزار نفر در تاریخ بیست و یک فروردین برگزار شد. آنان با شعارهای "بازوی هر کارگر استون انقلاب است - بیگساری کارگر بزرگترین گناه است"، "ما خواهان پشتیبانی همه مردم ایران هستیم"، "ما کشتار روحشانه کارگران بیچاره را صفحان را محکوم میکنیم"، "بطرف دادا گستری راه افتادند و در آنجا متحصن شدند.

فدا انقلاب کجا لانه کرده

عوا مفریبه‌توده مردم را از مذا فعین واقعیت‌ها دور میسازد، تا سرحد جنگ داخلی در میان ملت‌به پیش می‌رود و بهمین خاطر عوا مفریبه‌توده مردم را به رژیم‌های رتجایی است. بیهوده نبوده که ما رکن همواره میگفت: "عوا مفریبه‌توده بزرگترین دشمنان مردمند!"

اعتقاد بتوده، بخاطر حفظ منافع طبقاتی، ناگزیرند از عوامل رژیم سابق و نوکران شناخته و ناشناخته امپریا - لیسم در دستهای مملکتی استفاده کنند. کسانی دیرآمدانند که اجازه میدهند ارتشید قهر باغی‌ها و سر لشکر قهرنی‌ها که اولی چندین هزار نفر را در رژیم "طاغوت" و دومی یک قلم ۱۲۰۰ میهنی پرست کرد در رژیم اسلامی بخاک و خون کشیدند، درین مملکت راست راست به گردن و زپول بیت المال مردم حقوق و مزایای بازنشستگی بگیرند. قهرم باغیها حقوق بگیرند و اکثریت قریب با تفاق کارگران بیگساری در معترض گرسنگی و نا بودی قرار داشته باشند؟ اینست معنای "عدل اسلامی" جمهوری جدیدالتاسیس؟

کسانی دیرآمدانند که با زکذا رند دست امپریا لیسم و ارتجاع، گناه اقدامات خرابکارانه آنها را به گردن کمونیستها میاندازند تا ضعف رهبری و عدم توسل به اقدامات انقلابی از جانب خویش را به پوشانند. کسانی دیرآمدانند که رئیس قانون اساسی جدید را بدون قبول مسئولیت درقبال آن، بی نام و نشان از طریق رسانه‌های گروهبی نه میکی دوشب مانده به رفتارند و انتشار میدهند تا روشنگران و آزادیخواهان را با بی‌صدقها بکشانند. آن کسانی دیرآمدانند که در شب قبل از رفتارند و نامی بی‌چاری را برای گزارش اخبار پشت دوربین قرار میدهند تا بدین وسیله حمایت‌ها را جمع کنند و بعد از رفتارند و عذرویی و کلیه زنها بی‌گانه زیر بار ردیگت توری جدید برادری و تلوویزیون میروند، میخوانند و خاتمه خدمتشان میکنند. دیرآمدگان کسانی هستند که به جرم آنکه یکی از روزنامه‌های خارجی عکس فضا حت با ریا زما ون نخست وزیر به چاپ رسانده، از پیش آن جلوگیری میکنند تا اعمال گذشته رون شود. دیرآمدگان کسانی هستند که هزار وعده شیرین در گوش طبقه کارگر زمزمه میکنند، به آنهادستور رفتن میدهند که کمونیستها را از خود برانند، اما در عمل هیچکامی برای این طبقه محروم و ستمدیده بر نمی‌دارند. دیرآمدگان کسانی هستند که تا ب تحمل صدای مخالفان را ندارند و بهمین خاطر ناگزیرند از شیوه‌های مرسوم در رژیم سابق بکار گیرند.

مکرر در مکرر گفته میشود که کمونیستها حق شرکت در اداره امور مملکتی را ندارند. اخراج افراد کمونیست و جوی از تمام ادارات مراکز دولتی بهمن شد تا سابق دنبال می شود. امروز اخراج، فردا اعدام، اینست مسیری که برای کمونیستها در نظر گرفته شده و هیچیک از معتقدین به آن، به خاطر جوی انقلابی موجود که سرعت هم‌کامش میابد، جسارت بیان آشکار آنرا ندارند. اما در عوض بی اعتباری رکن نیروهای چپ، اخبار جعلی در مورد آنها ساختن، آزار و اذیت دستگیری و توهین به آنها توأم با فشار و آزار با ازشیوه‌های رایج بر علیه آنهاست. ست مرتب این اندیشه در میان مردم تبلیغ میگردد که "کمونیستها دیرآمدانند و این نظر غلط و ابلهان از بیخوردی و نادانی سرچشمه نمیگردد، غرض حکمروائی میکنند. کدام یک از رهبران دولتی و مذهبی نمیدانند که تاریخ مبارزات قهرمانان و بی باکان کمونیستها بر علیه ظلم و جور با زمان پیدایش طبقه کارگر در میهن ما عجیب است و عمر آن به بیش از ۷۰ سال میرسد؟ مگر برخی از همین رهبران فعلی مملکت، مقامت و پویا میمردی جانفشانه کمونیستها را در زندان نستودند؟ اما رکشت و کشتار رژیم شاه سابق حاکی از آنست که کمونیستها همواره بیش از هر یک از دیگر نیروهای سیاسی کشور شهید داده‌اند و در شکنجه‌های قرون وسطایی و پویا جوخه اعدام در مقابل دیوبند سیرت حاکم چون سروا یستاده‌ها در دوبر خلق مرگه‌ها افتخار را بر تنگ ابدی پذیرا شدند. چه کسانی دیرآمدانند و زود میخوانند بروند؟ کسانی که بشهادت مبارزات ۷۰ ساله طبقه کارگر و جنبش فدا میسرالیستی در میهن ما، همواره در صف مقدم بیگساری خاطر از ادوی استقلال جان باختند و از زیر با زشعا رسنگونی رژیم شاه را در سلوچه وظائف خویش قرار دادند، یا کسانی که با مبارزات فصلی و موسمی خود تا همین یکماه پیش عقیده داشتند که باید سلطنت کند و نه حکومت؟؟؟ کدامیک؟! کسب جاه و مقام بهمین زودی فرا موشی بار آینه است؟ کسانی دیرآمدانند که از فرط بی‌برنامگی که این نیز بدلیل دیرآمنشان است، هیچ چیز برای گرفتن ندارند و ناگزیر مجبورند توده را بصبر و تحمل و در واقع بخوت و سستی بکشانند و نهضت را بخوابانند تا آقا یان فرصت پیدا کنند و بتدریج بر بناهای دست و پا کنند اینها هستند آن دیرآمدگانی که میبایست مورد مواخذه قرار بگیرند. همینها هستند که بخاطر بی اعتمادی و بی

عوا مفریبه‌توده مردم را از مذا فعین واقعیت‌ها دور میسازد، تا سرحد جنگ داخلی در میان ملت‌به پیش می‌رود و بهمین خاطر عوا مفریبه‌توده مردم را به رژیم‌های رتجایی است. بیهوده نبوده که ما رکن همواره میگفت: "عوا مفریبه‌توده بزرگترین دشمنان مردمند!"

"ما تکیه بقا ثدین ناشی نکنیم و زمسلك خویشتن تحاشی نکنیم چون بت شکنی مرام دیرینه‌ماست اینست که تا زهبت تراشی نکنیم"

روز پیروزی بر رژیم منور سلطنتی جشن میگیرد

عوامفریبها بزرگترین دشمنان مردمند

ضد انقلاب کجایان کرده و کدام نیرو را تقویت میکند؟

آقایان زنگان در پیمای خیر خود در رابطه با وقایع بخش ترکمن نشین کشور ادعا کرد که این وقایع "طبق نقشه‌ها پیش ساخته... ویرانه‌ها منظم از جانب مارکسیست‌ها و کومونیست‌ها... انجام می‌گیرد... این افراد از سوی ساواک و پادشاهان رژیم طاغوتی از این سو و آن سوی مرز تقویت می‌شوند... قبل از اینکه نشان دهیم ساواک واقعاً چه نیروی را تقویت میکند و در کجا لانه کرده، اشارة به نکته زیر ضروری میدانیم. این ولین با رنیت کسه ما رکسیست‌ها مورد اتهام واقع میشوند. رژیم جنایتکار شاه هم کومونیست‌ها را وابسته به بیگانه جلوه میداد و هم سرکوب خود را از کومونیست‌ها شروع کرد و سپس آنرا به سایر نیروها می‌خالف تعمیم داد. اساساً کلیه نظام‌ها شی که بنیادش بر سرکوب استوار است سرکوب خود را از کومونیست‌ها، این بیگانه دشمنان واقعی بهره‌کشی انسان از انسان و این پیگیرترین دموکرات‌ها - آغاز میکنند.

هیئت حاکمه کنونی نیز هر تحریک ضد انقلابی و هر حرکت دشمن را دشمنان انجام گیرد آنرا از اتحاد کومونیسم، صهیونیسم، کومونیسم، امپریالیسم و "کومونیست‌ها، و سایرین" میدانند. شعار ارتجاعی "مرکز بر کومونیسم"، دستگیریه‌ها، ارباب و تضییقات روزمره کمیته‌های انقلاب، ضرب و شتم میهن پرستان، حملات ناخواسته نمردان‌ها، موسسات گوناگون خلقی به آتش کشیدن آنها و با لایحه‌ها اعدام‌های مصنوعی که امروز موجب سرگرمی و تفریح کمیته‌هاست و فرادانگ واقعی بخود بگیرد، باعث فرونشاندن عطف ضد انقلاب خواهد شد، جملگی دامه و با زتاب سیاست ضد کومونیستی هیئت حاکمه فعلی است.

حال ببینیم چه کسی جا داده صاف کن ساواک و عوامل ضد انقلاب است.

طی چند روز گذشته دو مطلب از سوی امیران نظام سخنگوی دولت عنوان شده است که درخور تعمق و تأمل فراوان است. اول اینکه سازمان امنیت با یک "تصفیه" فعالیت خود ادامه خواهد داد و دوم اینکه امیران با زنبشته ارتش که "صلاحیت لازم داشته باشند" انقلاب همگام هستند. (؟) به ارتش خواهند پیوست. خوب توجه کنید سازمان امنیتی که به دست "سیا" و عوامل جانی و آدمکش بومی برای سرکوب و بیکردن مخالفین رژیم و امپریالیسم بنا شده "تصفیه" و "برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی فعالیت خواهد کرد". این طرح‌ها طرح‌ها و کمتر از آن با طرح‌ها پوربختی تفاوت چندانی ندارد. البته آقای امیران نظام برای خود مجوز "استفاده از دستگاه‌های "بارز" ساواک را تراشیده است، زیرا این دستگاه‌ها (که معلوم نیست دقیقاً منظورش چیست) دستگیریه‌ها (که از پول بیت المال تهیه شده نباید استفاده باقی‌مانده! البته این دستگاه‌ها در ساواک "تصفیه" شده بکار گرفته خواهند شد. اینکه چه کسانی این "تصفیه" را انجام خواهند داد، دوچه معیار برای "تصفیه" سازمانی که حرفه‌اش پرورش جاسوس و جنایتکار حرفه‌ای بوده تعیین شده است جزو سراسر است.

وقایع کردستان و ترکمنستان دست‌های ضد انقلاب و ساواک را که در کمیته‌ها یا انقلاب لانه کرده بودند بوضوح نشان داد (رجوع شود به گزارش کمیته حقوق بشر، کانون و گلاو جمعیت حقوقدانان). کوشش هیئت حاکمه جهت همبسته جلوه دادن کومونیست‌ها و ساواکی‌ها کوششی است عبث و اقیعات سرسخت ترا از آنکه بتوان آنها را کتمان کرد و یا واره جلوه داد. بقیه در صفحه ۳

ندارند، چگونه می‌خواهند رژیم را بر سر کار آورند که در هیچ‌جا دنیا نمیتوان سرافرازی گرفت؟! و لامگر رهبران مذهبی و دولتی در خصوص رژیم که را پیش از مردم گرفتند جزا بین می‌گویند؟ مگر آنها خود نمی‌گویند که جمهوری اسلامی تنها برای ولین با برادران پادشاهان و پادشاهان مگر نمی‌گویند بغیر از دوره کوتاه‌های در زمان پیغمبر و علی، حکومت اسلامی در هیچ‌کجا دنیا استقرار نیافته است؟ مگر نمی‌گویند حکومت رژیم‌ها در پاکستان عربستان... ایدال آنها نیست؟ چطور شد که اگر کومونیست‌ها این شیوه استدلال را در مورد حکومت مورد نظر خود بیاورند، محق نیستند و باید آنها را تریشند و سرکوب و مورد تمسخر قرار داد و اولی اگر مخالفین آنها از همین شیوه استفاده می‌شود و محترمند؟!)

گفته می‌شود که تحریکات و ناآرامیهای کشور زیر سر برخی چپ‌ها و یا به اصطلاح چپ‌نماها نیست که تا زه از خارج آمده‌اند و هیچ سهمی در انقلاب نداشته‌اند. اول از همه با یارانش کرده‌اند که این‌ها زه و اردو چه کسانی هستند و در انقلاب مردم چقدر سهم بوده‌اند. گذشته از آنکه خیمینی که مدت ۱۵ سال در خارج بودند، یزدی، قطب زاده، امیران نظام و طباطبائی و دیگران که ستونهای مهم رژیم جدیدند ایرانند و سئوال‌ها زیاده‌پیرامون گذشته آنها بی‌جواب مانده است همگی در خارج بوده‌اند و تازه از خارج آمده‌اند. در طول اقامت خود در خارج نیز هیچ نقشی در جنبش خارج کشور ایفا نکرده‌اند و اگر کسی باشد که تازه به غنا می‌رسیده است همین‌ها و نظیر اینها هستند. آقای یزدی بر طبق شواهد و مدارک کار تبیعه آمریکا را با خود حمل می‌کند و بر طبق قوانین آمریکا تابعیت ایران را ولغوشده و لذا از نقطه نظر حقوقی و یک آمریکا نیست و نه ایرانی قطب زاده جزو اخراجیون از کنفرانسسیون دانشجویان ایرانی است که بعلمت کوشش بخاطر پیوستن کنفدراسیون به سازمان جهانی دانشجویان، با خصمیت او را بیرون کردند و امروز هم همان سیاست تفرقه‌انداز و حکومت کن رژیم سابق را در ایران و تلویزیون دنبال می‌کند. اخیراً رجعی و دیگران در دست‌های بهترین گواه‌های این مدعا است. امیران نظام هم که بیش از سه ماه عضو نهضت آزادی نبوده است مگر همین بقیه در صفحه ۳

شنیده و دیده می‌شود که ما مورین صندوق‌ها به راه‌دهنده لطف کرده، خودبجای وی برای "آری" را پاره می‌کردند و در صندوق می‌انداختند؟! همان رفتارندومی که بعضی آنکه مخفی باشد، بصورت علنی برگزارد و با بین ترتیب ناقض مهمترین اصل همه - پرسید؟ همان رفتارندومیکه از فرط دموکراتیک بودن نه فقط زنده‌ها بلکه حتی برخی مردگان هم به آن رای دادند؟ و با لایحه‌ها هم رفتارندومیکه بعضی دعوت از سازمانهای انقلابی و صاف در عمل خدمتگزار خود به خلق مبارزان مملکت را به ثبوت رسانده‌اند، از کمیته‌های امام، این لایحه‌ها جدیداً صراحتاً - انقلابی برای نظارت بر آن استفاده می‌شود؟ اینست آن رفتارندومیکه با ید به آن ناپذیر و آن بعنوان حربه‌ای بر علیه کومونیست‌ها و نیروهای انقلابی استفاده کرد؟ کجای دنیا مرسوم بوده است که دین ملت را به رای‌گذاری و توقعی جز تثبیت و تأیید آن داشته باشد؟! مگر مردم به این خاطر قیام کردند که شاه و اعوان و انصارش بیدین بودند؟ شریعت اسلام در حد اکثر خود، نقش چاشنی مبارزات مردم را بازی کرده علت العلل آنرا، رای رفتارندوم دهم فروردین نیز به چاشنی مبارزات مردم بود و نه به حاصل آن. رفتارندوم واقعی زمانی است که علت العلل قیام رژه مردم تشریح شود، قانون اساسی مبتنی بر خواست‌ها و نیایز مندیهای برحق مردم تدوین و تصویب گردد و پس از آن از مردم در مورد رژیم مبتنی بر آن قانون همه پرسى شود.

یکی از ایرادات تیکه معمولاً از طرف مقامات دولتی و مذهبی به کومونیست‌ها گرفته می‌شود اینست که گویا دولت نمیداند آنها چه می‌خواهند و چه می‌گویند. البته این ایده ایده بیسوده و غلطی است کومونیست‌ها بهتر و بیشتر از هر مسلک و مرام دیگری میدانند چه می‌خواهند و چگونه می‌خواهند و چگونه میتوان با معررات از این وضع آشفته و اسفنا رنجت داد. مقامات دولتی نیز اگر نظرات و پیشنهادات کومونیست‌ها را دور از حب و بغض و صاف دقانه مورد ملاحظه قرار داده باشند که نداده‌اند، میبایستی بدانند که آنها چه می‌گویند و چه می‌خواهند گفته می‌شود از آنجا که کومونیست‌ها هیچ یک از رژیم‌های موجود در دنیا را ایدال خود نمیدانند، چیزها تا اواخر حیات مافوق تسه در قبول دارند و شوروی را هم قبول

یکی از ایدئولوگهای "جمهوری اسلامی" قبل از رفتارندوم عقیده داشت که "می‌بایستی به کومونیست‌ها و سایر مخالفین اجازه داده شود تا نوع حکومت خویش را انتخاب کنند" اما نه برای اینکه این حق مسلم هر فردی است و رفتارندوم ضد دموکراتیک این حق را عملاً از آنها گرفت، بلکه "برای آنکه روشن شود کومونیست‌ها چندان نترسند".

البته عطفاً شتیاق به روشن شدن این مسئله تا زگی ندارد. شاه سا بقور رژیم منفو و نیز لحظه‌ای از شما رش کومونیست‌ها غافل نمیشدند و گمان می‌کردند که با کشتن کومونیست‌ها و کاهش عددی آنها، کومنیسم را از میان برخواهند داشت.

انگونه که رای‌گیری‌ها یا یافته برخی از مسام در امور کشور بر خود میباید لیسند که رفتارندوم با لایحه‌ها بتکرار که "چپ‌ها و چپ‌نماها" در اقلیت محضند و در صد بسیار کوچکی را تشکیل میدهند. هستند کسانیکه از "گشفتن" این خبر حتی پیش از خبر مربوط به الغای رژیم سلطنتی خشنودند و آنسرا مهمترین وسیله تبلیغاتی خویش قرار داده‌اند.

ناگفته نماند که رژیم شاه بدون برگزاری رفتارندوم و اخذ رای و تنها بدلیل ما هیئت عمیقاً ضد ملی و ضد دموکراتیک خود در وصف اقلیت بودن و نا چیز بودن کومونیست‌ها و نیروهای انقلابی، دشمنان مبداء تا زمینه تخطئه و توجیه کشتار وحشیانه را در اذهان آماده سازد و متاسفانه امروز نیز همین نحوه‌ها را اعتبار رسانند و نیروهای انقلابی و کوشش برای آنرا در آن که در رژیم "طاغوتی" برقرار بود یا بر جاستب این تفاوت که اینبار چاشنی رفتارندوم ده فروردین نیز به آن اضافه شده و خود بخود سببه مخالفین و ضد کومونیست‌ها نیز پزورتر شده است.

البته در اینجا بحث بر سر آن نیست که کومونیست‌ها در اقلیتند یا اکثریت، بحث بر سر آنست که از این پس هرگونه زورگویی، تحقیر، جفاف، توهین، حق‌کشی و اختناق بر علیه کومونیست‌ها با تکیه بر رفتارندوم توجیه خواهد شد. از رهبران کشور که با استناد به آراء بدست آمده راکشت و کشتار کومونیست‌ها را در آینده هموار میسازند باید سئوال کرد که استناد شما به کدام رفتارندوم است؟! همان رفتارندومی که بگفته صریحاً بیت‌اله خیمینی مذهبی بود و نه سیاسی؟! همان رفتارندومی که در واقع دین اسلام را به راه ملت گذاشته بود؟! و یا آنکه در انقلاب کبیر فرانسوا از مردم سئوال می‌شود که جمهوری مسیحیت را می‌خواهید یا فتوح الیوم سابق را؟! همان رفتارندومی که فقها پیشا پیشفتوا یسرا داده بودند و با تبلیغات وسیع رای مثبت را یک تکلیف شرعی و دینی و خدا پستدانه و ایدان قیامتار قلمداد کردند؟! همان رفتارندومی که در شرایط غیر دموکراتیک و امنیتی موجود در سراسر کشور نه فقط بر مردم بلکه به نیروهای سیاسی که کمترین سهمی در تصمیم گیری‌ها داشتند، تحمیل شد؟ همان رفتارندوم که در ابتدا گفتند ۲۶ میلیون نفر حرق‌های دارند، سپس گفتند ۱۸ میلیون، بعد رسید به ۱۵ میلیون، پس از آن گفتند ۱۳ میلیون و سرانجام بیش از ۲۰ میلیون رای سراز صدوقها در آورد؟! همان رفتارندومیکه اصولاً کثرتت قریب به اتفاق رای دهند و ها حتی نمیدانستند علاوه بر دوشوق یاد شده شقوق دیگری هم در سیستم حکومتی وجود دارد؟! همان رفتارندومی که تنها ده ساعت مانده به آغاز آن بر سر مخالفین منت می‌گذارد و اجازه نمیدهند تا آنها نظر خود را روی کارت کامپیوتری صندوق بیا نندازند؟! همان رفتارندومیکه اغلب

ارزشی از امواز:

- ۱- دوشنبه سیزدهم فروردین، عده‌ای مسلح از کمیته‌ها ما به کتا بفروشی به رنگی و اقع رخیلاً سلطانی کوی یوسفی مراجعه میکنند و از ادا ره کنندگان آنجا می‌خواهند که در برابر باز کنند تا آنها بتوانند کتا بفروشی را با زرسی کنند. وقتی ادا ره کنندگان کتا بفروشی از آنجا مجوز برای دخول و باز زرسی می‌خواهند، می‌گویند مجوز لازم نیست و با ید در برابر کنید. در این موقع عده‌ای از مردم محلاً آنجا اجتماع کرده و به کمیته اعتراض میکنند. ما موران کمیته می‌گویند در این محل اسلحه و اعلامیه‌ها شی به طرفداران زشا نگهداری میشود. در این هنگام تعدادی دیگر از ما موران مسلح کمیته با سه جیب به آنجا می‌آیند و مردم را متفرق میکنند. قفل درب کتا بفروشی را شکسته و شیشه را با لگد خرد میکنند و وارد کتا بفروشی میشوند. از کتا بفروشی اشیاء ذیل را مصادره میکنند:
- ۲- تعدادی ویژه‌ها مه روزنا مه کار
- ۳- چهار ده هزار روسید و هفتاد دریا ل پول
- ۴- یک تخته پتو
- ۵- یک دستگاه دوربین عکاسی
- ۶- مقدار زیاد دی‌کتاب و اعلامیه‌های موجود در کتا بفروشی

بعلاوه پادشاهان، دوتن از کتا بفروشان را به نامهای عبدا الصمد شعبانی و جمشید سالاری را مضروب کرده با خود می‌برند. یکی از افراد کمیته که اهل محل است، گفته دو نفر فوق‌الذکر که دانش آموز هستند اعدام مصنوعی کرده‌اند. به این ترتیب که به چوبه‌ها اعدام بسته‌اند و به جوخه‌ها تش فرمان تیر داده‌اند (چشمهای آنها را بسته بودند). افراد جوخه هم طبق فرار قبلی تیر هوائی شلیک کرده‌اند و بعد زده‌اند زیر خنده. سپس دو نفر را با زکرده و مجدداً به با زدا شتگا هر گردانده‌اند. طرف اینمد فقط به ما در یکی از آنها اجازه داده‌اند آنهم از قاصه دور و زپشت شیشه پسرش را که پاهاش بسته بود ببینند.

تنها طبقه کارگر ایران میتواند انقلاب را بسر منزل مقصود برساند!